

## بررسی تأثیر فقر اقتصادی بر روابط عاطفی بین زوجین

(مطالعه موردی: خانواده‌های منطقه ۱۶ تهران)

لیلا کوچکیان\*، علیرضا ادهمی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱

### چکیده

خانواده مکانی برای آرامش و تسکین انسان‌هاست اما تفاوت‌های طبقاتی به‌ویژه فقر اقتصادی باعث می‌شود که کارکردهای خانواده مختل شده و روابط عاطفی میان اعضای خانواده کاهش پیدا کند. ازهم‌گسیختگی روابط عاطفی درون خانواده‌ها منجر به آسیب‌های گسترده‌تر نظیر طلاق، اعتیاد، خودکشی و فحشا می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه فقر با روابط عاطفی در بین زوجین در منطقه ۱۶ شهر تهران با روش کمی (پیمایش) انجام گرفت. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین فقر اقتصادی و روابط عاطفی بین زوجین رابطه معکوس و معناداری وجود دارد ( $p=0,001$ )، یعنی با افزایش فقر اقتصادی، روابط عاطفی بین زوجین کاهش می‌یابد. علاوه بر این بین فقر اقتصادی با رفتارهای منفی و خشونت در خانواده، اعتماد و رفتارهای حمایتی، همبستگی و رابطه معنادار آماری وجود دارد ( $p=0,001$ ). به‌طورکلی، فقر اقتصادی باعث افزایش خشونت می‌شود که خود این موضوع نیز به روابط عاطفی زوجین آسیب می‌رساند. بنابراین به نظر می‌رسد که اگر سیاست‌گذاری‌ها در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی افراد خانواده متمرکز گردد، میزان آسیب‌های خانواده و اجتماع به‌صورت چشمگیری کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: فقر اقتصادی، زوجین، روابط عاطفی، شهر تهران، خانواده

\* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

koochakianl@yahoo.comleila

\*\* دانشیار جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. تهران، ایران (نویسنده مسئول)

adhamiab@yahoo.com

## مقدمه و طرح مسئله

در ایران از دیرباز نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی شدن افراد بوده و انتقال دانش و تجربه و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی دینی از طریق مکانیزم‌های مختلف در درون خانواده انجام می‌گرفته است. در اسلام نیز خانواده از جایگاه مقدسی برخوردار است (طایفی، ۱۳۹۲: ۱). تداوم نسل‌ها، ارزش‌ها، دانش بشری و پیشرفت و توسعه تمدن و بشریت در گرو خانواده و تداوم آن است. همچنین، نظریه‌پردازان انسان‌شناسی نه تنها بر این باورند که خانواده پایدار می‌ماند بلکه معتقدند خانواده آثار عمیقی بر روی فرزندان می‌گذارد (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۱). خانواده‌ها و روابط درون خانواده تحت تأثیر بسترهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی است. به عبارتی دیگر، اگرچه خانواده کارکردها و وظایف مقدس و مهمی مانند تربیت نسل‌های آینده و انتقال ارزش‌ها و سنت‌ها را بر عهده دارد اما تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی دچار آسیب‌های زیادی می‌شود و امکان تحقق بخشیدن بسیاری از پتانسیل‌های خود را از دست می‌دهد. یکی از این آسیب‌ها، ضعف روابط عاطفی در بین زوجین است. بسیاری از انتقاداتی که به مدرنیته و صنعتی و مادی شدن جهان وارد می‌شود مبتنی بر از بین رفتن روابط عاطفی انسان‌هاست که در آن روابط ابزاری و مکانیکی جای روابط عاطفی را گرفته است (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

به عبارتی دیگر، وضعیت اجتماعی و اقتصادی جدید و زندگی در جهان پر از آشوب و چالش مدرن باعث شده در موارد زیادی صمیمیت بین افراد در درون خانواده از بین برود و روابط سرد و ابزاری جایگزین روابط گرم و صمیمی قبلی شود. منظور از روابط عاطفی بین زوجین نحوه ارتباط و طرز برخورد زوجین با همدیگر است. نظر زوجین نسبت به هم، احساسات و علاقه آنها به همدیگر و چگونگی دخالت یا عدم دخالت آنها در کارهای یکدیگر و همکاری یا رقابت آنها با یکدیگر، نحوه ارتباط ایشان را نشان می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۳: ۲۳). پس، درون خانواده با اشکال مختلفی از

روابط روبرو هستیم که در یک خانواده سالم باید عمده این روابط مبتنی بر کنش ارتباطی و تفاهمی باشد و عواطف و صمیمیت نقش پررنگی در آن داشته باشند. شدت و میزان تضعیف روابط عاطفی در طبقات مختلف، متفاوت است. هر طبقه با توجه به میزان درآمد مادی مشخص می‌شود. اگرچه بسیاری از بحث‌ها در مورد تشخیص طبقات اجتماعی موردانتقادات جدی قرار گرفته است (روشه، ۱۳۹۵: ۹۹)، اما با این وجود افرادی مانند آنتونی نگری و مایکل هارت<sup>۱</sup> قائل به وجود طبقه فقیر هستند و طبقه فقیر را که امری عام و کلی‌تر نسبت به طبقه کارگر است جایگزین آن کرده‌اند. خانواده‌های فقیر از لحاظ اقتصادی دچار مشکلات زیادی هستند. میزان تضعیف روابط عاطفی بین افراد خانواده‌های طبقات فقیر بیشتر از سایرین است. یعنی، با وجود مسائل و مشکلات متعدد و از جمله فقر اقتصادی ارتباطات صمیمی و روابط عاطفی اعضای خانواده با چالش مواجه است. ضعف روابط عاطفی در خانواده می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در تربیت کودکان و در دوام خود خانواده داشته باشد. با از بین رفتن احترام و حرمت و روابط عاطفی، خانواده از مهم‌ترین کارکردهای خود در زمینه ایجاد یک فضای سالم بازمی‌ماند.

فقر و مشکلات اقتصادی می‌تواند باعث ازهم‌گسیختگی نهاد خانواده شود. کار بیشتر و درآمد کمتر، جدایی نان‌آور خانه از خانواده و زن و فرزندان خود و انجام کارهای سخیف برای زنان فقیر از جمله پیامدهای چنین خانواده‌هایی است. در بلندمدت فقر اقتصادی باعث فقر فرهنگی نیز می‌شود و خانواده‌های فقیر به علت ناتوانی مالی فرزندان خود را در سنین پایین دنبال کار می‌فرستند. فقر با توجه به پیامدهای گسترده‌ای که برای خانواده‌ها دارد، باعث کاهش روابط سالم در بین افراد خانواده می‌شود و با جایگزینی پریشانی به جای روابط سالم، در نهایت تبعاتی بسیار بزرگ و مهم مانند، طلاق، فرار فرزندان از خانه، اعتیاد، خودکشی، فحشا و قتل را به دنبال دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد هدف تحقیق حاضر سنجش رابطه فقر با روابط عاطفی بین زوجین منطقه ۱۶ شهر تهران است. این منطقه از جنوبی‌ترین مناطق شهر تهران با بافت فرسوده و متراکم مسکونی و تجاری و شبکه‌های بزرگراهی به‌عنوان یکی از مناطق فقیرنشین تهران مطرح است. (عندلیب، ۱۳۸۹: ۱ به نقل از خاکپور، ۱۳۹۵: ۴) مناطقی با این شرایط در تهران عموماً آسیب‌خیزند. اعتیاد، زنان و دختران خیابانی، فحشا، دزدی، تکدی‌گری، بی‌سوادی، بی‌خانمانی، طلاق، دست‌فروشی و بیکاری از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که در مناطق جنوبی تهران و بخصوص در منطقه ۱۶ وجود دارد. به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از این آسیب‌ها به نابسامانی‌های خانوادگی و ازهم‌گسیختگی بنیان عاطفی خانواده‌ها برگردد که خود این امر نیز متأثر از فقر اقتصادی خانواده‌های ساکن در این منطقه است. سؤال اساسی تحقیق این است که فقر اقتصادی چه تأثیری بر روی روابط عاطفی زوجین منطقه ۱۶ تهران دارد؟

### پیشینه پژوهش

تأثیر فقر بر روابط عاطفی در درون خانواده و آثار و نتایج آن بیشتر توسط محققان رشته‌های روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی موردبررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه روابط افراد در خانواده‌ها متأثر از ساختارهای کلان فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی نیز هست، این موضوع در تحقیق حاضر از منظر جامعه‌شناختی موردبررسی قرار می‌گیرد. از آنجاکه با عنوان دقیق این تحقیق یعنی رابطه فقر اقتصادی با روابط عاطفی بین زوجین تحقیقی انجام نشده، در این بخش به تحقیقاتی اشاره می‌شود که در رابطه با فقر اقتصادی و خانواده و روابط عاطفی در خانواده باشند.

زاهدی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به رابطه بین فقر و سرمایه اجتماعی پرداختند. نویسندگان معتقدند سرمایه اجتماعی ارتباط نزدیکی با ارتقاء رفاه و کاهش فقر دارد. نتایج نشان داد تفاوت معنادار در سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در بین

خانوارهای فقیر و مرفه وجود دارد. همچنین، وضعیت فقر همبستگی قوی منفی با میزان سرمایه اجتماعی دارد و خانواده‌های فقیر در کلیه مؤلفه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی میانگینی پایین‌تر از خانوارهای مرفه داشتند. در مجموع، فقر تأثیر منفی بر سرمایه و ارتباطات افراد می‌گذارد.

حاج هاشمی (۱۳۸۷) با تحقیق خود به روش کمی مبتنی بر پیمایش نشان داد که جدایی محل کار و خانواده باعث بروز مشکلات عاطفی و ارتباطی در خانواده می‌شود. افرادی که به علت عدم توانایی مالی در اطراف و حاشیه‌های شهر تهران ساکن می‌شوند بیشتر با آسیب‌های این موضوع روبرو هستند. آن‌ها روابط خود را با خانواده از دست می‌دهند و گاهی فرزندان خود را فقط آخر شب می‌بینند. از این رو بچه یا فرزندان این خانواده‌ها به سختی می‌توانند فرصتی پیدا کنند تا مسائل و مشکلات خود را با والدین در میان بگذارند و از همدلی و همفکری آنها برخوردار شوند. از طرفی دیگر پدری که ساعت‌های بسیاری را در محیط کار و در فضای شلوغ وسائط نقلیه به‌دوراز داشتن امکان روابط صمیمی می‌گذرانند دچار تنش‌ها و استرس‌های زیادی می‌شود و تعادل روانی وی به هم می‌خورد. این استرس و تنش به فضای خانواده منتقل می‌شود و در روابط عاطفی سالم در درون خانواده اختلالاتی را ایجاد می‌کند.

صانعی و راغفر (۱۳۸۹) در بررسی آسیب‌پذیری کودکان از شرایط فقر در کشور ایران با تحلیل ثانویه داده‌های ادغام‌شده سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۶ نشان دادند که با افزایش سن سرپرست خانوار به‌طور متوسط آسیب‌پذیری کودکان از فقر کاهش می‌یابد. کودکانی که زنان، سرپرست خانوار آنها بوده‌اند در مقایسه با کودکانی که مردان سرپرست خانوارشان بوده‌اند نسبت به فقر آسیب‌پذیرتر هستند. با ارتقای وضعیت تحصیلی سرپرست خانوار آسیب‌پذیری کودکان از فقر کاهش پیدا می‌کند. همچنین کودکانی که سرپرست آنها شاغل است از فقر کمتر آسیب می‌بینند. آسیب‌پذیری کودکان در خانواده‌های فقیر با افزایش تعداد کودکان بیشتر می‌شود.

مدنی و بیات (۱۳۸۹) با تحلیل ثانویه از مطالعات پیشین رابطه بین فقر و موارد تنش‌زا در خانواده نشان دادند که کودکان آزار دیده در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که منزل مسکونی آنها کوچک است و تناسبی با جمعیت خانواده ندارد. در این خانواده‌ها غذا، پوشاک، هزینه رفت‌وآمد و سایر تسهیلات به‌سختی تأمین می‌شود و حتی در بعضی از خانواده‌ها کودکان ناگزیر به کار واداشته می‌شوند و ایمنی کمتری دارند. وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی همبستگی زیادی با کودک‌آزاری دارد. نیازهای بهداشتی، تغذیه‌ای، آموزشی و روانی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند بروز و شیوع کودک‌آزاری را افزایش دهد.

رفعت‌جاه و بهرامی (۱۳۹۰) در بررسی کیفی ۳۰ خانواده در محله سیروس شهر تهران عوامل نابسامانی خانواده را نشان دادند. عوامل نابسامانی خانواده در این محله در چهار محور اقتصادی، روانی، اجتماعی - فرهنگی و زیستی قابل دسته‌بندی است. همچنین، عوامل اقتصادی نقش برجسته‌تری در ایجاد نابسامانی‌ها داشته و زمینه‌ساز آسیب در سایر ابعاد است.

ابراهیمی سالاری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «ارتباط فقر حاصل از بیکاری و طلاق» مبتنی بر داده‌های سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ به بررسی ارتباط بین فقر حاصل از بیکاری و طلاق پرداخته و بیان می‌کنند که افزایش بلندمدت کاهش توان اقتصادی خانواده، افزایش طلاق را در بر خواهد داشت.

فلاحی و دلدار (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان‌های ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی» به مطالعه عوامل مؤثر بر طلاق در سطح بیست‌وهشت استان کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ با تأکید بر عوامل اقتصادی به‌ویژه میزان بیکاری و تورم می‌پردازند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین طلاق و متغیرهای بیکاری، تورم، میزان تحصیلات و شهرنشینی وجود دارد.

### تحقیقات خارجی

کاسیدی<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲) در بررسی نقش روابط جفتی و بیانگری عاطفی در خانواده و تأثیر آن بر روی درک عاطفی کودکان با روش کمی با حجم نمونه ۶۱ کودک کودکستانی کلاس اولی و محصل دوره راهنمایی و والدین آنها نشان دادند که بیانگری عاطفی مادرانه و بیانگری عاطفی پدرانه با هم مرتبط هستند درحالی‌که بیانگری عاطفی کودکان چندان با خانواده و با پدر و مادر مرتبط نیست و نحوه بیانگری عاطفی و درک کودکان از احساسات بیشتر با همسالانشان مرتبط است. همچنین، درک کودکان از روابط عاطفی، روابط عاطفی پدر و مادر در خانه و در ارتباط بین آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رایان و هریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) با بررسی رابطه فقر، زمینه اجتماعی و سلامت عاطفی جوانان با روشی کمی کیفی گزارش کردند که فقر در سطح فردی بر سلامت روحی نوجوانان تأثیرگذار است. برای دختران فقیر، تحصیل در مدرسه‌های مخصوص فقرا به سلامتی روحی آنها کمک می‌کند، اما مردان در مدرسه‌های مخصوص فقرا از لحاظ روانی آسیب می‌بینند. داشتن روابط اجتماعی قوی (سرمایه اجتماعی بالا) در مردان باعث رفع جنبه‌های منفی فقر در محیط مدارس می‌شود درحالی‌که برای دختران این موضوع مطرح نیست.

پارک و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای تأثیر فقر بر کیفیت زندگی خانواده‌های کودکان معلول را بررسی و تأثیرات مختلف فقر را در پنج بُعد خانواده، از جمله سلامت (گرسنگی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی محدود)، بهره‌وری (توسعه شناختی، فرصت‌های تفریحی محدود)، محیط فیزیکی (خانه‌های پرجمعیت، محله‌های ناامن)،

---

1. Cassidy  
2. Ryan & Harris  
3. Park

رفاه عاطفی (افزایش استرس، عزت نفس پایین) و تعاملات خانوادگی (پدر و مادر ناسازگار، اختلافات زناشویی) کشف کردند.

هسلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در بررسی عوامل استرس‌زا در خانواده و رفتارهای پرخطر در بزرگسالان در مطالعه طولی و در سه دوره قبل از مدرسه، دوران کودکی و نوجوانی نشان داد که مواجهه با استرس در دوران کودکی اولیه، باعث به وجود آمدن مشکلاتی در روحیه احساسی در دوران کودکی، متوسطه و نوجوانی می‌شود و در جوانی با رفتارهای مخاطره‌آمیز مانند گرایش به مواد و الکل و فعالیت‌های جنسی افراطی ارتباط دارد. گرمی روابط عاطفی در خانواده می‌تواند به عنوان یک عامل پیشگیری از رفتارهای پرخطر باشد و همچنین دوستی با همسالان منحرف می‌تواند به عنوان یک علت اضافی در ظهور عوامل پرخطر در دوران جوانی باشد.

وارنر فیندلو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۱) با روش کمی و آزمایشگاهی کنترل شده به موضوع روابط اجتماعی و تأثیر آن بر سلامت عاطفی در خانواده پرداخته و نشان دادند که افزایش حمایت‌های عاطفی خانواده بر سلامت عاطفی افراد تأثیرگذار است. پشتیبانی روحی دوستان و روابط بین دوستان نیز بر روی سلامت عاطفی افراد نقشی تعیین کننده دارد. با افزایش حمایت خانوادگی و افزایش ارتباط بین دوستان حس انزوا و تنهایی کاهش پیدا می‌کند. نتایج این تحقیق بر همبستگی اجتماعی و نقش آن در سلامت عاطفی افراد تأکید دارد.

نونان و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین درآمد خانواده و رفتار اجتماعی و عاطفی فرزندان پرداختند. آن‌ها برای این کار نتایج مطالعات کوهورت در بریتانیا را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعات از پرسشنامه‌های شدت و دشواری (SDQ) استفاده شده بود. نتایج نشان داد که افزایش درآمد خانواده اثر حفاظتی قابل توجه و

- 
1. Hessler
  2. Warren-Findlow
  3. Noonan



ازلحاظ آماری معناداری را بر احتمال مشکلات رفتاری در فرزندان دارد. این یافته برای تمامی مقیاس‌های SDQ سازگار بود.

راسل<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سطوح مختلف کمبود توجه/ اختلال بیش‌فعالی (ADHD) با وضعیت اجتماعی اقتصادی و مشکلات مالی مرتبط است یا خیر. نتایج اثر حفاظتی قابل‌توجهی از افزایش درآمد دائم خانواده بر احتمال مشکلات رفتاری در سن ۱۱ سالگی را نشان داد. این یافته برای تمام مقیاس‌های SDQ به‌جز مشکلات عاطفی سازگار بوده و قوی‌ترین مشکلات مربوط به موارد رفتاری معلمان است. پریشانی مادر یکی از واسطه‌های مهم در رابطه با رفتار درآمد و فرزند برای گزارش‌های والدین است. به نظر می‌رسد دشواری روان‌شناختی مادر، به‌ویژه درازمدت یا مکرر، به این رابطه کمک کند. این یافته‌ها می‌تواند خواستار حمایت روحی، اجتماعی و مالی برای خانواده‌های تحت تأثیر مسائل بهداشت روانی والدین باشد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت تحقیقات داخلی بیشتر در سطح کلان و در حوزه جامعه‌شناسی و ساختاری به پدیده روابط خانوادگی پرداخته و به این نکته توجه کرده‌اند که تغییرات ساختاری هنگامی که با فقر و شرایط نامناسب شغلی و دوری از خانواده ترکیب می‌شود، آسیب‌های جدی مانند کودک‌آزاری را در پی دارد. در کل، بر لزوم روابط عاطفی محکم در خانواده‌ها تأکید و بر این باور هستند که با بالا رفتن عوامل تنش‌زا مانند فقر و تضعیف ارزش‌های حمایتی در خانواده‌ها مسائل و مشکلات عاطفی زیادی برای خانواده‌ها به وجود خواهد آمد. تحقیقات خارجی نیز بر اهمیت روابط عاطفی در خانواده تأکید می‌کنند و آن را عامل اصلی همگرایی و تداوم خانواده و سلامتی افراد می‌دانند. همچنین مسئله عمده این است که وجود هر نوع تنش و یا استرسی در خانواده و یا بر روی یکی از والدین و یا حتی بر روی نوجوانان بر دیگر

افراد خانواده نیز تأثیرگذار است. نکته دیگر این که فقر به صورت مستقیم بر روی روابط افراد اثر نمی‌گذارد بلکه از طریق واسطه‌ها و یا میانجی‌هایی این کار را انجام می‌دهد.

## مبانی نظری

### خانواده و کارکردهای آن

در زندگی اجتماعی انسان‌ها خانواده بر گروهی از افراد اطلاق می‌شود که به سبب همبستگی‌های نسبی و یا قرابت سببی و یا همزیستی با هم مرتبط می‌شوند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده تولیدمثل و بازتولید شخصیت‌های انسانی به صورت زیستی و اجتماعی است. خانواده تجربیات شخصی را در طول زمان به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. از منظر کودکان نیز خانواده شکلی از جهت‌گیری و یا در واقع قاعده‌مندی و قانون‌مندی است. خانواده به لحاظ اجتماعی در فرهنگ‌آموزی کودکان نقشی بسزا دارد (Russon, 2010: 62).

خانواده نیز مانند بسیاری از نهادهای اجتماعی در زندگی انسان‌ها دچار تغییرات زیادی شده و انواع اشکال و ساختارهای خانواده در طول تاریخ وجود داشته است. در هر شکلی از خانواده با فرایندی روبرو هستیم که طی آن نقش‌ها در خانواده تعریف می‌شود و روابط درون خانواده از هنجارهای خاصی پیروی می‌کند. نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس مرد و زن بر پایه‌های مناسب آن است (فروید، ۱۳۹۲: ۶۴). خانواده به اعضای خود احساس آرامش و امنیت بخشیده و در تمام طول تاریخ و در تمام جوامع وجود داشته است. مهم‌ترین کارکرد خانواده یعنی ادامه نسل انسان به وسیله ازدواج فراهم می‌گردد.

برخی از پژوهشگران خانواده را نهادی رو به ضعف می‌پندارند و عقیده دارند که وظایف و کارکردهای خانواده به تدریج به کل جامعه و به دیگر نهادهای اجتماعی منتقل می‌شود و در نتیجه روابط حاکم عاطفی میان اعضای خانواده به تدریج نیز رو به سستی

می‌گذارد. ولی گروهی دیگر معتقدند خانواده نهادی استوارتر و پیشرفته‌تر از گذشته است و برداشت‌های رایج در مورد سستی روابط خانوادگی ناشی از اعتقاد به این است که همه چیز در گذشته انسانی‌تر و روابط احساسی و عاطفی‌تر بوده است، حال آنکه خانواده روی هم نهادی پویا است که به تناسب شرایط اجتماعی و تاریخی، تحولاتی را می‌پذیرد و خود را با شرایط جدید انطباق می‌دهد و در عین حال نیز در جامعه تأثیر گذاشته و نهادهای مختلف را با خود هماهنگ و منطبق می‌سازد.

به طور کلی، خانواده زیربنای اصلی جامعه پایدار است و هنگامی که این زیربنا آسیب ببیند قطعاً جامعه نیز متزلزل خواهد شد. خانواده گسسته دیگر نمی‌تواند جایگاه مناسبی جهت رشد جسمی و عاطفی کودکان باشد، این خانواده به جای آموزش، عشق و محبت و دوست داشتن به کودکان آنها را با انواع عقده‌ها مواجه می‌کند و به جای حفظ آنها در محیط گرم و دوست‌داشتنی خانواده آنها را به محیط‌هایی رهنمون می‌سازد که قطعاً آینده مناسبی را برای آنها به ارمغان نخواهد آورد.

#### رویکردهای جامعه‌شناختی به روابط درون خانواده

##### • نظریه‌های کارکردی

نظریات ساختی - کارکردی در مورد خانواده بر نوعی تلقی ارگانیک از خانواده مبتنی است. خانواده در پیوندی ارگانیک با بقیه خرده نظام‌ها و نهادهای جامعه قرار می‌گیرد. یعنی خانواده مانند بدن انسان از ارگان‌های مختلفی تشکیل شده و برای بقای سیستم (جامعه) و حفظ انسجام آن، لازم است که این اجزاء به طور مقتضی با هم کار کنند (کرایب، ۱۳۹۵: ۵۷) از نگاه کارکردگرایان خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، متولی برآوردن دست‌کم پنج کارکرد اصلی است که عبارت‌اند از: اول، تأمین امنیت عاطفی یا تشریک در منابع عاطفی که در قالب متغیرهای گرمی، وفاداری، دلبستگی، ایثار و عشق بی‌قید و شرط تعریف می‌گردد. دوم، تنظیم رفتار جنسی، سوم تولیدمثل و اجتماعی کردن فرزندان، چهارم، محافظت از کودکان و سالخوردگان و پنجم، تعیین

موقعیت و نقش‌های انتسابی و ششم کنترل اجتماعی. سلامت خانواده و کمال آن در انجام دادن کارکردهایی که از آن در یک جامعه انتظار می‌رود، بستگی مستقیم به چگونگی روابط بین دو جنس مخالف مرد- زن دارد. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

ترنهلیم و یانسن<sup>۱</sup>، ارتباط زناشویی را فرایندی می‌دانند که در آن زن و شوهر به صورت کلامی و غیرکلامی مثل گوش دادن، حالات چهره و ژست‌های مختلف با همدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

با وجود این، شواهد موجود گویای این حقیقت است که زوجین در عصر حاضر در برقراری ارتباط و داشتن زندگی زناشویی رضایتمند با مشکلات و ناهماهنگی‌های متعددی روبه‌رو هستند. احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه به سستی گراییده است و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشایند شده است. محققان بر این باورند که وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب ببیند اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسست روانی و عاطفی و سپس اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که طلاق نام دارد (صادقی فسایی و ملکی پور، ۱۳۹۲: ۲).

#### • نظریه‌های تضاد

نظریه‌های تضاد بر شرایطی متمرکز می‌شوند که در آن تنش‌ها و تضادها در درون خانواده به وجود می‌آید. این نظریه‌ها اغلب شرایط موجود در خانواده‌ها را نتیجه فشارهای اقتصادی می‌دانند و شکاف‌های بزرگ‌تر اجتماعی مانند شکاف طبقاتی را در بروز ناهنجاری‌ها در روابط داخل خانواده سهیم می‌دانند. روابط اجتماعی از دو جنبه منفی و مثبت برخوردار است. جنبه مثبت همان حمایت اجتماعی و جنبه منفی نیز تضاد

اجتماعی است که می‌تواند عامل اصلی فشارهای روانی و افسردگی باشد. در واقع، تضاد با دیگران اجتناب‌ناپذیر است (Cheng, 1998: 211). ساکستون<sup>۱</sup> در مورد تضاد در خانواده می‌گوید: تعامل میان زوجین هم می‌تواند هماهنگ باشد و سعادت و رضایت را فراهم کند و هم می‌تواند از هم‌گسیخته باشد و نارضایتی، ناامیدی و رنج را برای یکی از زوجین یا هر دوی آنها فراهم کند (Saxton, 1996: 390).

گریچ<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) تضادهای درون خانواده را دارای دو بُعد کلی می‌داند؛ شدت تضاد: تضادهای بین شخصی مختلف، از بحث‌های آرام تا خشونت‌های فیزیکی به خود می‌گیرد. محتوای تضاد: اینکه تضاد بر سر چه موضوعی است را محتوای تضاد می‌داند. تضاد می‌تواند در مورد عقاید، اعمال و رفتار یکدیگر و یا در مورد فرزندان باشد (Grych et al, 1993: 221). روتر<sup>۳</sup> نشان داد توانایی خانواده‌ها برای حل مسئله در صورتی که اعضای خانواده در طی حل مسئله رفتارهای تضادگونه انجام دهند آسیب می‌بیند. بدین معنی که خانواده‌هایی که هنگام بحث بر سر مسائل رفتارهای خصمانه و همراه با عصبانیت (شیوه‌های مختلف شدت تضاد) نشان می‌دهند شکست‌های پی‌درپی در حل این مسائل دارند (Ruter et al, 1995: 109).

مهم‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه تضاد در خانواده به بحث تأثیر عوامل بیرونی و از جمله شرایط شغلی و اقتصادی بر روی روابط درون خانواده می‌پردازند. فرون<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) معتقد است تضاد کار و خانواده زمانی رخ می‌دهد که کوشش‌های افراد برای انجام تقاضاها (یا انتظارات) از نقش کاری با توانایی شخص برای انجام تقاضاها و انتظارات خانواده تداخل پیدا کند. از آنجایی که تضاد وضعیت کاری با شرایط خانواده باعث تداخل شرایط کاری در خانواده می‌شود از آن به‌عنوان منبع فشار یاد می‌کنند که ممکن است سلامتی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. تضاد شرایط کاری و شرایط

- 
1. Saxton
  2. Grych
  3. Ruter
  4. Frone

خانوادگی باعث می‌شود اعتماد به نفس انسان‌ها از بین برود. تضاد کار و خانواده با نارضایتی شغلی و همچنین نارضایتی از زندگی، رابطه‌ای مثبت دارد، زیرا افراد در این مواقع خود را بیشتر در کشمکش‌های حاصل از برخورد با مسئولیت‌هایشان غوطه‌ور می‌بینند و بنابراین کاهش کیفیت زندگی خانوادگی‌شان را تجربه می‌کنند. در نهایت این نارضایتی از شغل و زندگی باعث ایجاد آسیب‌های روانی به افراد می‌گردد (Frone et al, 1994: 1019-1021).

بورلی<sup>۱</sup> معتقد است که شاغل بودن زوجین بر روی کاهش سازگاری زوجیشان تأثیر می‌گذارد در این شرایط در خانواده دو متغیر می‌تواند تعیین‌کننده باشد؛ یکی حمایت‌های از جانب شوهر برای زن است که سازگاری را افزایش می‌دهد و در صورت عدم این متغیر ناسازگاری و تنش به شدت افزایش پیدا می‌کند. متغیر دیگر رعایت انصاف در توزیع کار خانه است که بودن آن باعث افزایش همدلی و نبودن انصاف در توزیع کارهای خانه، باعث افزایش تنش و ناسازگاری می‌شود (Burley et al, 1995: 483).

سیرس<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) معتقد است زنان و مردان که دارای شغل‌های بسیار سخت هستند و کمتر حمایت می‌شوند بیشتر به تضاد نقش‌ها و حالات و خلق و خوی منفی دچار شده که با تنش‌های زوجی در ارتباط قرار می‌گیرد. تنش‌های روزمره و نارضایتی از شرایط کار، بر شکل‌گیری وضعیت احساسی آنها در پایان روز به حدی تأثیر می‌گذارد که ممکن است به ایجاد تنش و نارضایتی در خانه بینجامد. شرایط منفی شغلی زنان (کار زیاد و سخت، محیط اجتماعی ناخوشایند و عدم اقتدار) به فشار بیشتر در خانواده، رضایت کمتر از روابط خانواده و انسجام کمتر و نارضایتی زوجی منجر می‌گردد (Sears et al, 1992: 789).

- 
1. Burley
  2. Sears

در چارچوب نظریه‌های تضاد کینونن<sup>۱</sup> معتقد است فشارهای اقتصادی و فقر و بیکاری تنش‌های زوجی و خانوادگی را افزایش می‌دهد و همچنین تأثیر افزایش بر بی‌ثباتی مرد (عصبانیت، ناراحتی و بداخلاقی) دارد. در خانواده‌هایی که پدر به ضعف اقتصادی با بدخلقی‌ها و بدبینی‌ها پاسخ می‌دهد، در تعاملش با بچه‌ها کمتر نقش سرپرستی و بیشتر نقش تنبیهی و زورگو را دارد و به زوال روابط زوجی و رابطه پدر با فرزندان می‌انجامد. فشارهای اقتصادی هم جوانب عینی و هم جوانب ذهنی اشتغال و درآمد را شامل می‌شود. جوانب عینی شامل بی‌ثباتی شغلی (تعداد و طول دوره‌های اشتغال و عدم اشتغال) و محرومیت اقتصادی (درآمد پایین یا از دست دادن درآمد) است درحالی‌که بعد ذهنی آن شامل اشتغال نامعلوم (ارزیابی ذهنی از احتمال بیکار شدن) و فشارهای اقتصادی (ارزیابی ذهنی از شرایط مالی شخصی) را در پی دارد (Kinnunen, 2011: 705).

در مدل نظری کینونن درحالی‌که مشکلات اقتصادی وضعیت حال را تحت تأثیر قرار می‌دهد نگرانی از آینده مبهم و احتمال بیشتر شدن گرفتاری‌های اقتصادی و اجتماعی و نتایج نامطلوب حاصل از آن نیز در ایجاد ترس و واگم و بدرفتاری و بداخلاقی نقشی تعیین‌کننده دارد. در کل، نظریه‌های تضاد در تبیین پرسش پژوهش نقش بیشتری از نظریه‌های کارکردی دارند. روابط درون خانواده تحت تأثیر عوامل متعددی به سردی و اختلال می‌گراید. این عوامل در ارتباط با سؤال تحقیق عبارت‌اند از تفاوت نقش‌های زن و مرد، تفاوت نقش‌های کاری و خانوادگی، شرایط سخت‌کاری برای هرکدام از زوجین، فقر و مشکلات اقتصادی.

## نظریات روان‌شناختی

در اوایل دهه ۱۹۹۰، کانگر و همکارانش<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) به منظور بررسی تأثیر بحران اقتصادی زراعی دهه ۱۹۸۰ بر خانواده‌های آمریکایی، مدل استرس خانوادگی را ارائه کردند. مطالعات قبلی، فشار اقتصادی و تنش و بی‌ثباتی زناشویی را با هم مرتبط می‌دانستند، اما این مطالعات، فاقد «سنجش آن دسته از تعامل‌های رفتاری بین همسران بودند که احتمالاً تحت تأثیر محرومیت اقتصادی قرار داشت و از این طریق بر ارزیابی‌های زناشویی توسط زن و شوهر تأثیر می‌گذاشت» (Conger et al, 1990: 644). در نتیجه، مدل استرس خانوادگی بیان می‌کرد که تجمیع عوامل استرس‌زا ممکن است توانایی فرد برای مواجهه با شرایط زندگی‌اش را تحت‌الشعاع قرار داده و منجر به تغییر رفتار وی شود. به‌ویژه، زوج‌هایی که فشار اقتصادی یا درماندگی مالی را تجربه می‌کنند، احتمالاً رفتار ناپسند و خشنی از خود نشان داده و رفتارهای گرم و حمایتی خود را کاهش می‌دهند. بدتر شدن روابط متقابل زن و شوهر منجر به وخیم شدن روابط آن‌ها و یا بی‌ثباتی این روابط می‌شود. مطالعات انجام شده در سراسر جهان بر روی نمونه‌هایی که دارای مشکلات اقتصادی قابل‌توجهی بودند، مدل استرس واسطه‌ای کانگر و همکاران را تأیید کرده است (به‌عنوان مثال، آیتاک و رانکین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ کانگر، جی و لورنز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴؛ هرابا، لورنز و پچاکووا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ کینونن و فلدت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ وان و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از Falconier and Epstein, 2010: 783).

برخی مطالعات، دربردارنده مؤیدهایی تجربی برای افزایش خصومت زوجین به‌عنوان مکانیزم واسطه‌گر بین فشار اقتصادی زوجین و رضایت از روابط آن‌ها هست (به‌عنوان مثال، کانگر و همکاران، ۱۹۹۴؛ هرابا و همکاران، ۲۰۰۰؛ وان و همکاران،

- 
1. Conger et al
  2. Aytaç & Rankin
  3. Conger, Ge, & Lorenz
  4. Hraba, Lorenz, & Pechacova
  5. Kinnunen & Feldt
  6. Kwon et al.



۲۰۰۳). در این مطالعات، خصومت مواردی از قبیل رفتار انفجاری، تحریک‌پذیری، انتقاد، مشاجره و ضرب و شتم را در بر گرفته است. چنین عملی، پرخاشگری روانی و جسمی را درهم آمیخت و امکان تشخیص اینکه آیا پرخاشگری روانی به‌تنهایی (و بدون پرخاشگری جسمی) می‌تواند واسطه فشار اقتصادی - تیرگی روابط و رضایت از روابط باشد را غیرممکن می‌کند. این موضوع اهمیت زیادی دارد چرا که عوامل استرس‌آور در زندگی، زمینه‌سازهای مشترک پرخاشگری روانی هستند (به‌عنوان مثال، مارگولین، جان و فو<sup>۱</sup> ۱۹۹۸). پرخاشگری روانی، از جمله مشاجرات لفظی و حمله کلامی به عزت‌نفس شریک زندگی، اقدامات ارباب‌گری که جسم شریک زندگی را هدف قرار نمی‌دهد، و تنبیه و اجبار از طریق رها کردن خصومت‌آمیز (مورفی و هوور<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) شیوع بیشتری نسبت به پرخاشگری جسمی دارد (به‌عنوان مثال کاتس، آریاس و بیچ<sup>۳</sup> ۲۰۰۰) و غالباً هنگامی اتفاق می‌افتد که پرخاشگری جسمی وجود نداشته باشد (بارلینگ، او لیری، جوریلز و ویویان<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷).

پرخاشگری روانی، پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری جسمی و جنسی متعاقب و بعدی (به‌عنوان مثال، کاپالدی، شورت و کراسبی<sup>۵</sup> ۲۰۰۳) و کاهش رضایت از روابط (به‌عنوان مثال، رو و لارنس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ تفت<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) است. علاوه بر این، پرخاشگری روانی با پریشانی روانی و علائم سلامت جسمی فراتر از آنچه که ناشی از پرخاشگری جسمی است ارتباط دارد. (به نقل از Falconier and Epstein, 2010: 784). برخلاف تعاملات منفی، تحقیقات به‌طور کامل این ادعا را تأیید نمی‌کند که کاهش رفتارهای مثبت واسطه رابطه بین فشار اقتصادی و رضایت از رابطه است. زمانی که محققان،

- 
1. Margolin, John, & Foo
  2. Murphy & Hoover
  3. Katz, Arias, & Beach
  4. Barling, O'Leary, Jouriles, & Vivian
  5. Capaldi, Shortt, & Crosby
  6. Ro & Lawrence
  7. Taft

رفتارهای مثبت را از طریق کدگذاری مشاهده‌ای مبادلات گرم و حمایتی در یک محیط آزمایشگاهی ارزیابی کردند، این رفتارها واسطه بین فشار اقتصادی و تیرگی رابطه نبودند (Conger et al, 1990: 644). باین وجود، گزارش‌های شخصی طیف گسترده‌ای از زوجین مؤید نقش میانجی بین فشار مالی و رضایت کمتر از روابط است.

فشار مالی مشترک زوجین منجر به علائم افسردگی بیشتر در زوج جویای کار می‌شد، که در نتیجه کاهش حمایت مثبت از زوج جویای کار را در پی داشت و در نهایت رضایت از رابطه زوج جویای کار را کاهش می‌داد. با توجه به تحقیقات قابل توجهی که حاکی از ارتباط مثبت بین رفتارهای مثبت زوج و رضایت از رابطه است (Falconier and Epstein, 2010: 782). تجدیدنظر و بررسی مجدد رفتارهای مثبت به‌عنوان واسطه‌گر در فشار اقتصادی و رضایت از رابطه، حائز اهمیت است. رفتارهای مثبت باید هم در ارتباطات و هم در رفتارهای دیگر مانند صمیمیت، اقدامات ابزاری و همراهی‌ها ارزیابی شود (Johnson and O'Leary, 1996). این رویکرد، دقیقاً همان رویکردی است که مطالعه پیش رو برای بررسی مجدد رفتارهای مثبت به‌عنوان عامل واسطه‌گر در ارتباط بین فشار اقتصادی و رضایت از رابطه، به کار گرفته است. (Falconier and Epstein, 2010: 785)

## چارچوب نظری

### تأثیر فقر اقتصادی بر روابط عاطفی بین زوجین

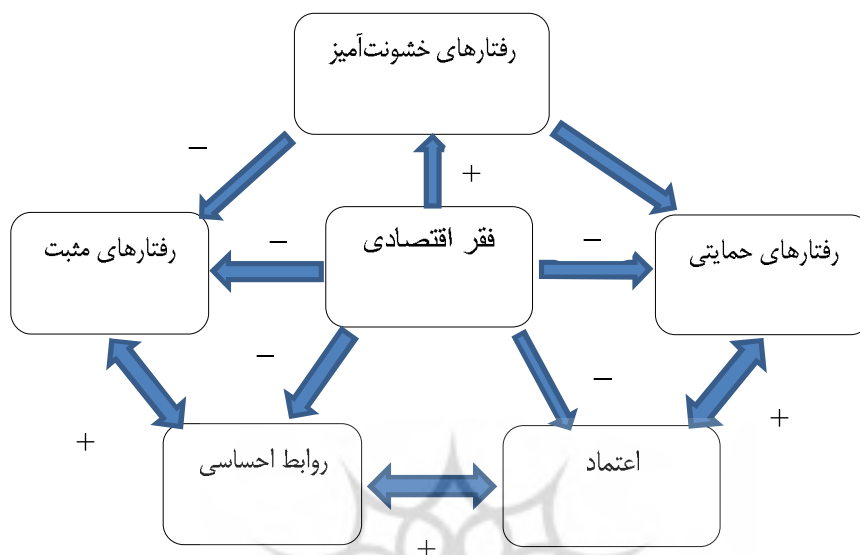
بر اساس دیدگاه‌های نظری مطرح‌شده و همچنین مدل «استرس در سطح دو تایی» فلاکونیر و اپستین<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) چارچوب نظری مدل حاضر شکل گرفته است. مدل استرس در سطح دو تایی بر این مبنا استوار است که تنش‌های ناشی از مشکلات اقتصادی و مالی باعث ظهور استرس و تنش در بین زوجین می‌شود و تأثیرات منفی بر روی روابط

---

1. Falconier and Epstein

عاطفی زوجین و همچنین بزرگ کردن فرزندان و روند عادی اجتماعی کردن آنها می‌گذارد. فشارهای اقتصادی ارزیابی ذهنی از وضعیت خود و وضعیت مالی است و شامل درک منابع مالی، نگرانی‌های مالی و نگرانی‌ها و انتظارات در مورد آینده وضعیت اقتصادی خود و خانواده است.

کانگر و دیگران (۱۹۹۰) در مدل خود پیشنهاد کردند که تنش‌های اقتصادی بر روی رضایت از روابط زوجین با واسطه تغییر در رفتارهای متقابل آنها تأثیر می‌گذارد. فلاکونیر و اپستین در مدل خود علاوه بر ادعاهای نظری یادشده سعی کردند مدلی دوتایی از روابط و همبستگی بین زوجین ارائه کنند. آنها مدل کانگر و دیگران (۱۹۹۰) را از این لحاظ که تنش‌های اقتصادی را امری فردی می‌دانستند مورد انتقاد قرار داده و در مدل خود تنش‌های اقتصادی را امری ذهنی خاص فرد نمی‌دانند بلکه مبتنی بر شرایط عینی تأثیرگذار بر هر دو زوج می‌دانند. پس، در مدل جدید تأثیر تنش‌های اقتصادی بر روی هر دو فرد در خانواده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نحوه ارتباطات آنها با همدیگر تحت شرایط تنش‌زا نشان داده می‌شود (Falconier and Epstein, 2010: 785). در کل هدف مدل دوتایی تنش این است که تأثیر وضعیت بد اقتصادی و فقر را از طریق (۱) افزایش نارضایتی از روابط در خانواده و (۲) کاهش تعاملات مثبت در خانواده، مورد بررسی قرار دهد.



مدل ۱- مدل نظری پژوهش

در جمع‌بندی چارچوب نظری و مدل یادشده باید اشاره کرد که فقر اقتصادی به‌خودی‌خود نمی‌تواند تأثیری بر روابط عاطفی بین افراد خانواده داشته باشد، بلکه با تأثیرگذاری بر واسطه‌هایی بر روی روابط عاطفی در خانواده تأثیر می‌گذارد، که در این مقاله محقق به دنبال بررسی بخشی از این مدل یعنی بررسی رابطه فقر با متغیرهای خشونت، کاهش و یا افزایش رفتارهای مثبت، اعتماد، رفتارهای حمایتی و روابط احساسی است که در فرضیات به آن‌ها اشاره می‌شود.

### فرضیه‌های تحقیق

بر اساس چارچوب مفهومی، فرضیات زیر را می‌توان استخراج کرد که به‌نوعی به تأثیر فقر بر متغیرهای واسطه و تأثیر متغیرهای واسطه بر روابط عاطفی در خانواده را مورد توجه قرار می‌دهند:

- فقر اقتصادی به صورت معناداری رفتارهای خشونت‌آمیز را بین زوجین افزایش می‌دهد.
- فقر اقتصادی به صورت معناداری رفتارهای مثبت را در روابط بین زوجین کاهش می‌دهد.
- فقر اقتصادی به صورت معناداری روابط احساسی بین زوجین را کاهش می‌دهد.
- فقر اقتصادی به صورت معناداری اعتماد بین زوجین را کاهش می‌دهد.
- فقر اقتصادی به صورت معناداری رفتارهای حمایتی را در خانواده کاهش می‌دهد.

### روش پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است. روش مورد استفاده پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. قبل از آغاز پیمایش، پیش‌آزمون پرسشنامه انجام گرفت و پس از رفع نواقص، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. جامعه آماری شامل کلیه خانوارهای منطقه ۱۶ است که بر اساس گزارش مرجع جامع آماری ایران، در سال ۱۳۹۴ تعداد کل خانوارهای این منطقه ۸۷۳۰۱ خانوار و کل جمعیت آن ۲۷۲۰۰۸ نفر بوده است (<http://amarista.ir>). بعد از مشخص شدن حجم نمونه، نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. منظور از مصاحبه آن است که پرسشنامه‌ها از طریق افراد توانمند و آموزش‌دیده از طریق مراجعه حضوری به نمونه‌ها تکمیل گردید. با توجه به ملاحظات اخلاقی پرسشگران هم زن و هم مرد انتخاب شدند و این اطمینان به شرکت‌کنندگان داده شد که اطلاعات به صورت محرمانه باقی خواهد ماند و این موضوع یادآوری می‌شد که به جای نام و نام خانوادگی کد اختصاری بر روی پرسشنامه‌ها درج خواهد شد. مدت‌زمان این مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید.

در این پژوهش از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه بهره گرفته شد. براین اساس، ۳۸۲ نفر حجم نمونه بود که به دلیل احتمال عدم پاسخ و اطمینان بیشتر، ۴۰۰ نفر حجم نمونه را تشکیل دادند. گردآوری داده‌ها با پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفت که پس از مطالعات نظری و پیشینه شناختی تحقیق و تدوین سایر مراحل تدوین گردید. روایی و پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. آلفای کرونباخ گویه‌ها بالاتر از ۰/۷۰ است (خشونت رفتاری ۰/۹۳، رفتارهای مثبت در خانواده ۰/۸۹، روابط عاطفی در خانواده ۰/۹۱، اعتماد در خانواده ۰/۸۷ و رفتارهای حمایتی در خانواده ۰/۸۲) که نشانگر تأیید پایایی پرسشنامه است. پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار SPSS برای توصیف از میانگین، انحراف معیار، واریانس و فراوانی و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری اسپیرمن استفاده شد.

### تعریف متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل:

#### • فقر اقتصادی

تعریف مفهومی: فقر مطلق به معنای نداشتن درآمد کافی برای تأمین حداقل نیازهای اساسی شامل غذا، مسکن و پوشاک، بهداشت و آموزش اذعان؟؟؟ است و فقر نسبی که در آن فقر با توجه به استاندارد زندگی در جوامع شناخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۶: ۲۷۰). «فقر قابلیت» هم با نگاهی جامع، امکان شناسایی تمام عواملی را که ممکن است مانعی برای زندگی باکیفیت و درخور باشند، فراهم می‌سازد (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۹۴: ۱۰). فقر اقتصادی فقدان قابلیت‌هایی است که به انسان کمک می‌کند تا زندگی درخور داشته باشد.

تعریف عملیاتی: سؤالات زیر برای سنجش میزان فقر اقتصادی بکار رفتند؛ میزان

درآمد ماهیانه کل خانوار، هزینه ماهیانه (خوراک، پوشاک، آموزش، مسکن و...)، وضع

مالکیت مسکونی، زیربنای مفید واحد مسکونی، نوع وسیله نقلیه و قیمت آن و نوع مدرسه فرزندان. پس از آن با به دست آوردن نمره استاندارد، آن‌ها را با استفاده از دستور compute با هم جمع کرده و در نهایت با توجه به نمرات بدست آمده به سه گروه خانواده‌هایی با فقر اقتصادی کم، فقر اقتصادی متوسط و فقر اقتصادی زیاد دسته‌بندی شدند.

#### متغیرهای وابسته:

##### • رفتار خوشونت‌آمیز و منفی

**تعریف مفهومی:** خوشونت استفاده عمدی از قدرت به صورت تهدید و یا به صورت واقعی بر علیه دیگران است که می‌تواند صدمات روانی، جراحات و یا مرگ را به دنبال داشته باشد (Krug et al, 2002). خوشونت خانگی الگویی به‌وسیله یکی و با همه افراد خانواده اعمال و شامل مواردی از قبیل: توهین، کتک‌کاری، تهدید، خوشونت جنسی، عاطفی و کنترل غیرمعقول می‌شود (Siemieniuk et al, 2010: 764).

**تعریف عملیاتی:** خوشونت خانگی و منفی با ۱۲ سؤال (گویه) در طیفی ۴ حالتی (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) سنجیده شد.

##### • رفتارهای مثبت در خانواده

**تعریف مفهومی:** رفتارهای مثبت شامل مواردی مانند صمیمیت بین زوجین، همدلی و درک احساس طرف دیگر و گذران اوقات بیشتر باهم است که تأثیرات منفی عوامل خارجی را خنثی و به تعادل خانواده کمک می‌کند (Falconier and Epstein, 2010: 787).

**تعریف عملیاتی:** رفتار مثبت در خانواده با ۹ سؤال (گویه) در طیفی ۴ حالتی (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) سنجیده شد.

#### ● اعتماد

**تعریف مفهومی:** اعتماد شرایطی است که طی آن فردی (اعتماد کننده) بر عمل فردی دیگر (مورد اعتماد) تکیه می‌کند و صحت و خیرخواهانه بودن آن را باور می‌کند (McKnight and Chervany, 1996: 1).

**تعریف عملیاتی:** اعتماد با شاخص‌های صداقت، صراحت، وفاداری، حسن ظن و احساس امنیت در خانواده و در روابط بین زوجین با ۷ سؤال (گویه) در طیفی ۴ حالتی (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) سنجیده شد.

#### ● رفتارهای حمایتی

**تعریف مفهومی:** حمایت وضعیتی است که طی آن یک فرد از دیگران کمک دریافت می‌کند. منبع این کمک‌ها می‌تواند عاطفی، مادی، اطلاعاتی و همدلی باشد. خانواده از مهم‌ترین منابع هویت‌های اجتماعی است و رفتارهای حمایتی در راستای ارتقاء سطح کیفی و مادی زندگی انجام می‌گیرد (Taylor, 2011: 191).

**تعریف عملیاتی:** روابط عاطفی با ۷ سؤال (گویه) در طیفی ۴ حالتی (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) سنجیده شد.

#### ● روابط احساسی

**تعریف مفهومی:** روابط احساسی در خانواده به روابطی گفته می‌شود که دارای بار منفی و یا مثبت عاطفی و احساسی باشد. روابط احساسی شامل مواردی مانند، عشق بین زوجین، عشق به کودکان، اهمیت دادن به افراد خانواده و تلاش برای سعادت آنها می‌شود (Gaelick and Galen, 1985: 37).

**تعریف عملیاتی:** روابط احساسی با ۸ سؤال (گویه) در طیفی ۴ حالتی (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) سنجیده شد.



### یافته‌های تحقیق

مردان با ۵۲,۹ درصد بیشترین پاسخگویان را به خود اختصاص دادند. نیمی از پاسخگویان سطح تحصیلاتشان در سطح کم‌سواد یا بی‌سواد و بیش از ۵۶,۶ درصد میزان درآمد خانوارشان را در حد متوسط (بین ۱ تا ۲ میلیون تومان) اعلام کردند. حدود ۴۶ درصد پاسخگویان به‌صورت استیجاری یا در مسکن رهنی سکونت داشتند و ۳۷ درصد پاسخگویان کمتر از ۵۰ متر زیربنای مفید داشتند. ۶۵,۵ درصد فاقد وسیله نقلیه بودند که این موارد اخیر شاخصی بر فقر اقتصادی است. دانش‌آموزان تمام مشارکت‌کنندگان در مدارس دولتی تحصیل می‌کردند. وضعیت فقر اقتصادی خانواده‌ها بر اساس میزان هزینه در ماه، میزان درآمد شخص در ماه و میزان متراژ زیربنای مسکونی و نیز داشتن وسیله نقلیه و نوع و ارزش ریالی وسیله نقلیه ساخته شد و جامعه آماری را در سه سطح فقر اقتصادی کم، فقر اقتصادی متوسط و فقر اقتصادی زیاد دسته‌بندی نمودیم.

بر اساس یافته‌های بدست آمده بیش از ۶۸ درصد جامعه آماری دارای فقر اقتصادی متوسط بوده و حدوداً ۲۹ درصد نیز دارای فقر اقتصادی بسیار زیاد بوده‌اند. در این میان تنها بخش اندکی معادل ۴ درصد دارای وضعیت فقر اقتصادی کم بوده‌اند. از آنجاکه این متغیر نسبی است و با توجه به منطقه جغرافیایی محل سکونت متغیر است عمده ساکنین منطقه ۱۶ شهر تهران بر اساس میزان شاخص‌های خوداظهاری‌شان و به استناد آمارهای خط فقر مرکز آمار ایران در این دسته‌بندی جای گرفته و عمدتاً فقیر محسوب می‌شوند اما درجه فقر اقتصادی‌شان با توجه به تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته در این تحقیق متفاوت است (جدول ۱)

جدول ۱- وضعیت فقر اقتصادی در خانواده‌های مورد بررسی

فقر اقتصادی	فراوانی	درصد فراوانی
فقر اقتصادی کم	۱۳	۳,۴
فقر اقتصادی متوسط	۲۵۸	۶۷,۹
فقر اقتصادی زیاد	۱۰۹	۲۸,۷

بررسی وضعیت متغیر روابط عاطفی در بین اعضای خانواده یکی از اهداف تحقیق و مطالعه حاضر بود. ۶۱,۸ درصد پاسخگویان سطح روابط عاطفی زوجین را زیاد می‌دانند، ۳۳,۴ درصد سطح خیلی زیاد از روابط عاطفی را بین زوجین دارند. در مجموع تنها ۴,۷ درصد کل پاسخگویان میزان روابط عاطفی را بین زوجین در سطح خیلی کم و کم دانسته‌اند. براین اساس میزان روابط عاطفی در بین پاسخگویان این تحقیق در سطح زیاد و خیلی زیاد است (جدول ۲).

نتایج وضعیت سایر متغیرها بدین ترتیب است: ۴۷,۴ درصد پاسخگویان سطح خشونت رفتاری زیادی بین زوجین دارند، ۲۷,۴ درصد سطح کم خشونت رفتاری و ۲۱,۶ درصد نیز خشونت رفتاری را در سطح زیادی بین زوجین دارند. تنها ۳,۴ درصد کل پاسخگویان میزان خشونت رفتاری را بین زوجین در سطح خیلی کم داشتند. پس، میزان خشونت رفتاری در پاسخگویان این تحقیق در سطح زیاد است (جدول ۲).

۶۷,۶ درصد پاسخگویان سطح رفتارهای مثبت را بین زوجین زیاد، ۱۵,۸ درصد سطح کم و ۱۴,۲ درصد نیز رفتارهای مثبت را در سطح خیلی زیادی بین زوجین دارند و تنها ۲,۴ درصد پاسخگویان میزان رفتارهای مثبت را بین زوجین در سطح خیلی کم دانسته‌اند. براین اساس میزان رفتارهای مثبت در بین پاسخگویان این تحقیق در سطح زیاد است (جدول ۲).

۶۱,۶ درصد پاسخگویان سطح اعتماد را بین زوجین زیاد می‌دانند، ۲۸,۷ درصد سطح خیلی زیادی را برای اعتماد بین زوجین اظهار کرده‌اند و در مجموع تنها ۹,۷

درصد کل پاسخگویان میزان اعتماد را بین زوجین در سطح خیلی کم و کم دانسته‌اند. در مجموع، میزان اعتماد بین زوجین در بین پاسخگویان این تحقیق در سطح زیاد و خیلی زیاد است (جدول ۲).

جدول ۲- وضعیت نمرات متغیرهای تحقیق در خانواده بر اساس پاسخ پاسخگویان

متغیرهای تحقیق	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
روابط عاطفی	۱,۸	۲,۹	۶۱,۸	۳۳,۴
خشونت رفتاری	۳,۴	۲۷,۶	۴۷,۴	۲۱,۶
رفتارهای مثبت	۲,۴	۱۵,۸	۶۷,۶	۱۴,۲
اعتماد در خانواده	۰,۸	۸,۹	۶۱,۶	۲۸,۷
رفتارهای حمایتی در خانواده	۲,۷	۵,۵	۶۰,۵	۳۱,۳

۶۰,۵ درصد پاسخگویان رفتارهای حمایتی را در خانواده زیاد، ۳۱,۳ درصد در سطح خیلی زیاد و در مجموع تنها ۸,۲ درصد کل پاسخگویان میزان رفتارهای حمایتی را بین زوجین در سطح کم و خیلی کم دانسته‌اند. بنابراین می‌توان گفت میزان رفتارهای حمایتی بین زوجین در بین پاسخگویان این تحقیق در سطح زیاد و خیلی زیاد است (جدول ۲). نتایج بررسی رابطه بین متغیر فقر اقتصادی و روابط عاطفی از طریق آزمون اسپیرمن (با توجه به سطح سنجش هر دو متغیر) نشان داد که (با توجه به سطح معناداری ۰,۰۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان) رابطه معکوس و معناداری بین دو متغیر وجود دارد. یعنی با افزایش فقر اقتصادی، روابط عاطفی کاهش می‌یابد. با توجه به ضریب همبستگی (۰,۶۴۵-) میزان همبستگی مشاهده شده بسیار خوب و قوی است. در نتیجه فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه و همبستگی میان دو متغیر تأیید می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳- همبستگی بین فقر اقتصادی و روابط عاطفی

فقر اقتصادی / روابط عاطفی	آزمون آماری
-۰,۶۴۵	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰,۰۰۱	سطح معناداری

آزمون فرضیه رابطه بین فقر اقتصادی و رفتارهای خشونت‌آمیز (روی اسپیرمن) نشان داد با توجه به سطح معناداری ۰,۰۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان بین فقر اقتصادی و رفتارهای خشونت‌آمیز رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی رفتارهای خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد. با توجه به ضریب همبستگی (-۰,۳۶۲) می‌توان گفت میزان همبستگی متوسط و خوب است و فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه و همبستگی میان دو متغیر تأیید می‌شود.

رابطه معکوس و معناداری بین دو متغیر فقر اقتصادی و رفتارهای مثبت در سطح معناداری ۰,۰۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی با افزایش فقر اقتصادی رفتارهای مثبت در خانواده کاهش می‌یابد با توجه به ضریب همبستگی (-۰,۳۷۱) می‌توان گفت که میزان همبستگی مشاهده‌شده متوسط و خوب است. در نتیجه فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه و همبستگی میان دو متغیر تأیید می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴- آزمون فرضیه‌های تحقیق

متغیر مستقل	متغیرهای وابسته	R	p-value
فقر اقتصادی	رفتارهای خشونت‌آمیز	-۰,۳۶۲	۰,۰۰۱
	رفتارهای مثبت	-۰,۳۷۱	۰,۰۰۱
	اعتماد	۰,۲۹۰	۰,۰۰۱
	رفتارهای حمایتی	۰,۳۱۰	۰,۰۰۱

رابطه مستقیم و معناداری بین فقر اقتصادی و اعتماد در سطح معناداری ۰,۰۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی اعتماد بین زوجین نیز افزایش می‌یابد. با توجه به ضریب همبستگی (۰,۲۹۰) می‌توان گفت که میزان همبستگی مشاهده شده متوسط و خوب است. در نتیجه فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه و همبستگی میان دو متغیر تأیید می‌شود.

رابطه مستقیم و معناداری بین فقر اقتصادی و رفتارهای حمایتی در سطح معناداری ۰,۰۰۱ با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی روابط حمایتی بین زوجین افزایش می‌یابد. با توجه به ضریب همبستگی (۰,۳۱۰) می‌توان گفت میزان همبستگی مشاهده شده متوسط و خوب است. در نتیجه فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه و همبستگی میان دو متغیر تأیید می‌شود (جدول ۴).

## بحث و نتیجه‌گیری

فقر به‌عنوان یک مسئله اجتماعی در طول زمان همواره نگاه جامعه و حکومت و گروه‌های اجتماعی مختلف را به خود معطوف داشته است. به‌گونه‌ای که یکی از رنج‌های بشری شناخته‌شده است که چاره اندیشیدن و یافتن راه‌حلی برای مقابله با آن یکی از دغدغه‌های اندیشمندان اجتماعی، مذاهب مختلف و گروه‌های حکومتی بوده است. گسترش فقر مقوله‌ای اقتصادی است اما فقر و اثرات آن بر جامعه، مسئله ایست که نیازمند بررسی دقیق و موشکافانه است. چرا که فقر را می‌توان زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم دانست. فقر در پایه‌ای‌ترین وجه مؤثره خود، امکان بهره‌مندی افراد از نیازهای اولیه را از بین می‌برد. خصلت چندبُعدی این مسئله باعث رویکردها، راه‌حل‌ها و تعاریف متفاوتی از آن شده که روش‌های سنجش مختلفی نیز برای آن ارائه گردیده است.

در این تحقیق رابطه فقر با روابط عاطفی بین زوجین فقیر منطقه ۱۶ تهران بررسی شد. این منطقه جزء جنوبی‌ترین مناطق شهر تهران است و با بافت فرسوده مسکونی و تجاری و شبکه‌های بزرگراهی به‌عنوان یکی از مناطق فقیرنشین تهران مطرح است. نتایج مطالعه نشان داد که ۶۷٫۹ درصد پاسخگویان به لحاظ فقر در وضعیت متوسط و ۲۸٫۷ درصد در حد بالا بودند. میانگین ۲٫۸۷ درصد میزان خشونت رفتاری نشان می‌دهد که میزان خشونت رفتاری در بین پاسخگویان در سطح زیادی است. میانگین ۲٫۹۳ درصد میزان رفتارهای مثبت نشان می‌دهد که میزان رفتارهای مثبت در بین پاسخگویان در سطح زیادی است. میانگین ۳٫۲۶ درصد میزان روابط عاطفی نشان می‌دهد که میزان روابط عاطفی در بین پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد است. میانگین ۳٫۱۶ درصد میزان اعتماد نشان می‌دهد که میزان اعتماد بین زوجین در بین پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد است. میانگین ۳٫۲۳ درصد میزان رفتارهای حمایتی نشان می‌دهد که میزان رفتارهای حمایتی بین زوجین در بین پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد است.

کانگر و دیگران (۱۹۹۰) در مدل خود در مورد تنش‌های اقتصادی و تأثیر آن بر خانواده پیشنهاد کردند که تنش‌های اقتصادی بر روی رضایت از روابط زوجین باواسطه تغییر در رفتارهای متقابل آن‌ها تأثیر می‌گذارد. فلاکونیر و اپستین (۲۰۱۰) در مدل خود علاوه بر ادعاهای نظری مدل کانگر و دیگران سعی کرده‌اند تا مدلی دوتایی از روابط و همبستگی بین زوجین ارائه کنند. آن‌ها مدل کانگر و همکارانش (۱۹۹۰) را از این لحاظ که تنش‌های اقتصادی را امری فردی می‌دانستند مورد انتقاد قرار داده و در مدل خود تنش‌های اقتصادی را امری ذهنی خاص فرد نمی‌دانند بلکه مبتنی بر شرایط عینی تأثیرگذار بر هر دو زوج می‌دانند. در واقع در مدل جدید تأثیر تنش‌های اقتصادی بر روی هر دو فرد در خانواده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نحوه ارتباطات آنها با همدیگر تحت شرایط تنش‌زا نشان داده می‌شود

یافته‌های این تحقیق نیز در بخش شرایط اقتصادی و متغیرهای تشکیل‌دهنده فقر اقتصادی به‌طور کامل نمایانگر ابعاد عینی تأثیرگذار زندگی فردی است. در شرایطی که فرد در خانواده از نظر عینی حداقل‌های درآمد و هزینه‌های زندگی و نیز حداقل‌های متراژهای زیربنای محل زندگی را تجربه می‌کند و همین تجربه عینی با نداشتن وسیله نقلیه و حتی در صورت داشتن از حداقل قیمت عینی جامعه برخوردار بودن کاملاً رابطه معناداری با کلیه متغیرهای تأثیرگذار در زندگی خانوادگی وی اعم از حمایت عاطفی، روابط عاطفی، خشونت خانوادگی، اعتماد و بروز رفتارهای مثبت دارد. پس به نظر می‌رسد با توجه به یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی این تحقیق میدانی، مدل فلاکونیر و اپستین (۲۰۱۰) «استرس در سطح دو تایی» برای تحلیل استرس‌های ناشی از فقر اقتصادی بر روی روابط خانوادگی نمونه‌ای کارا باشد و جا دارد در مناطق مختلف شهری دیگر در سطح شهر تهران به آزمون گذاشته شود.

همچنین همسو با سایر مطالعات (Russell et al, 2018) نتایج مطالعه حاضر نشان داد که فقر اقتصادی بر وضعیت روابط در خانواده تأثیر می‌گذارد. بر این اساس در خانواده‌هایی که با مشکلات اقتصادی بیشتری دست‌وپنجه نرم می‌کنند احتمال بیشتری وجود دارد که مشکلات عاطفی در بین اعضا بیشتر باشد و به دنبال آن از هم‌گسیختگی و سایر مشکلات اجتماعی را در جامعه افزایش دهد. راسل و همکاران نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که فرزندان که در خانواده‌های با فقر اقتصادی رشد می‌کنند، مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند. از طرف دیگر کمبود روابط عاطفی ناشی از فقر در خانواده به تدریج سبب فروپاشی خانواده می‌شود. فروپاشی خانواده امروز از معضلات بزرگ جامعه انسانی است. نگاهی کوتاه به آمارها در سراسر دنیا این فرض را به‌خوبی اثبات می‌کند که میزان طلاق در هر سال نسبت به سال قبل افزایش بیشتری می‌یابد. از منظر برخی صاحب‌نظران، فقر دست‌کم یک متغیر مهم و اساسی در فروپاشی خانواده محسوب می‌شود و میزان فقر، در طلاق تأثیر دارد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که فرایند تأثیرگذاری فقر بر روابط عاطفی بین زوجین رابطه‌ای باواسطه است. فقر اقتصادی و فشارهای ناشی از کار بیرون از خانه برای مردان و زنان و دیگر شرایط سخت باعث می‌شود که رفتارهای منفی در بین زوجین افزایش پیدا کند و همین رفتارهای منفی مانند خشونت فیزیکی و لفظی، عدم اعتماد به افراد خانواده و فردگرایی و عدم حمایت از خانواده است که باعث کاهش روابط عاطفی بین زوجین می‌شود. کاهش روابط بین زوجین، آثار زیانباری را برای جامعه نیز به دنبال دارد که اگر این تغییر در روابط به خاطر فقر باشد آثار آن دوچندان می‌شود زیرا فقر در وهله نخست فرد را از خانواده و جامعه ناامید می‌کند و پس از آن به تدریج فرد را بر ضد جامعه برمی‌انگیزد. هم از این روست که امنیت اجتماعی در سطح خرد می‌تواند تحت تأثیر فقر قرار گیرد.

#### پیشنهادها:

##### پیشنهادهای پژوهشی

- به نظر می‌رسد تحقیقاتی که مربوط به بررسی ماهیت روابط و نیز کیفیت زندگی باشد، مانند روش‌های کیفی اعم از مصاحبه عمیق، گروه‌های محوری کارا تر باشد از این رو پیشنهاد می‌شود جهت بررسی روابط عاطفی در بین خانواده‌ها از روش‌های کیفی به صورت مجزا یا بصورت ترکیبی در کنار روش‌های کمی استفاده شود.
- پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی همانند تحقیقات خارجی که بر مبنای سنجش میزان رضایت و کیفیت روابط عاطفی بر اثر متغیرهای اقتصادی صورت گرفته، انجام شود.
- پیشنهاد می‌شود با توجه به تفاوت روابط عاطفی در مناطق مختلف شهر تهران با توجه به زمینه طبقاتی، چنین تحقیقاتی با توجه به زمینه طبقاتی مناطق مختلف تهران نیز صورت گیرد.



- پیشنهاد می‌شود رابطه وضعیت اقتصادی و تفاوت‌های نسلی بین والدین و فرزندان از نظر روابط عاطفی نیز بررسی شود.

### پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج این مطالعه نهادهای متولی امور خانواده و اقتصاد باید نکات زیر را در نظر داشته باشند:

- بهبود شرایط اقتصادی خانوارها از طریق ایجاد اشتغال واقعی در برنامه‌های بلندمدت دولتی نه کوتاه‌مدت

- خانواده در ایران امروزی همچنان به حوزه جامعه‌پذیری وارد می‌شود و در آن نقش اصلی را بازی می‌کند، اما عواملی همچون تبعات اقتصادی فقر امروزه به شدت این کانون جامعه‌ساز را تهدید می‌کند، در این زمینه نیاز است که در بسترهای بسیار هویدای این مسئله اجتماعی، روابط عاطفی در خانواده به تبع مسائل اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و راه‌حلهایی که در این زمینه‌ها توسط محققان اجتماعی ارائه شده است، مورد توجه سیاست‌گذاران و متولیان امور قرار گیرد.

- آموزش مهارت‌های حل مسئله و ابراز عواطف از طریق رسانه‌های جمعی به واسطه ساخت سریال‌های تلویزیونی

- آگاه‌سازی خانواده‌ها درباره نقش بهبود روابط عاطفی به جهت رضایت از زندگی بواسطه نهاد خانواده و نهادهای آموزشی و مطالعات فرهنگی

- فارغ از برنامه‌های بلندمدت اقتصادی آنچه می‌تواند راهگشا باشد مداخله صحیح و حرفه‌ای مددکاران اجتماعی مستقر در مراکز حمایتی جهت آموزش مهارت‌های ارتباطی و روابط عاطفی خانواده‌های درگیر با مشکلات اقتصادی است که این امر هم از طریق مراجعه مددجویان به نهادهای حمایتی امکان‌پذیر است و هم از طریق استقرار مددکاران اجتماعی در سرای محله‌های مناطق فقیرنشین، تا از این طریق آموزش مهارت‌های حل مسئله و ابراز عواطف به جهت رضایت زندگی در بین این خانواده‌ها صورت گیرد.

## منابع

- ابراهیمی سالاری، تقی؛ مهاجری، مسعود و دلدار، فائزه. (۱۳۹۳)، ارتباط فقر حاصل از بیکاری و طلاق، *نخستین همایش ملی توزیع درآمد و عدالت اقتصادی*، سمنان: ایران.
- حاج هاشمی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۷)، بررسی آسیب‌شناختی پیامدهای دوری جای کار از خانه بر فرد و خانواده در کلان‌شهر تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خاکپور، ؟؟؟؟ امین. (۱۳۹۵)، تحلیل پایداری بافت فرسوده محله جوادیه منطقه ۱۶ تهران. *کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط‌زیست در هزاره سوم*، رشت: شرکت پیشگامان پژوهش‌های نوین.
- رفعت‌جاء، مریم و بهرامی، سمانه. (۱۳۹۰)، مطالعه انسان‌شناختی عوامل نابسامانی خانواده در محله سیروس شهر تهران، *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۱، شماره ۲.
- روشه، گی. (۱۳۹۵)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران مدرن*، ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی
- زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر و حیدری، امیراسلان. (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره ۷، شماره ۲۸.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۹۳)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ ملکی پور، زینب. (۱۳۹۲)، تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱.
- صادقی، احمد. (۱۳۸۴)، بررسی روابط عاشقانه، ازدواج و ساختارهای اجتماعی در ایران، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، پیش شماره ۲.
- صانعی، لایلا و راغفر، حسین. (۱۳۸۹)، اندازه‌گیری آسیب‌پذیری کودکان کشور در مقابل فقر، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۵
- طایفی، علی. (۱۳۹۲)، خانواده ایرانی، خانواده مقدس. وبگاه «*خانواده مطهر*». دسترسی در سایت: (<http://motaharfamiliry.ir/?p=1932>)

- فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد. (۱۳۸۴)، بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۲
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۲)، *تمدن و ملالت‌های آن*، ترجمه: محمد مبشری، تهران: نشر ماهی.
- فلاحی، محمدعلی؛ دلدار، فائزه. (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر طلاق در استان‌های ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، دوره ۱۰، شماره ۳۴: ۱۳۵-۱۵۴.
- کرایب، یان. (۱۳۹۵)، *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مارکس، کارل. (۱۳۸۴)، *درباره تکامل مادی تاریخ: ۲ رساله و ۲۸ نامه*، ترجمه: خسرو پارسا، تهران: نشر دیگر.
- محمودی، وحید؛ صمیمی فر، قاسم. (۱۳۹۴)، فقر قابلیت. *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷
- مدنی، سعید، بیات، مجتبی. (۱۳۸۹)، فقر و کودک‌آزاری در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۳۵.
- مرجع جامع آماری ایران. (۱۳۹۴)، برآورد جمعیت و خانوار شهر تهران به تفکیک مناطق ۲۲ گانه، دسترسی در سایت: <http://amarista.ir>

- Burley, K. A. (1995). Family variables as mediators of the relationship between work-family conflict and marital adjustment among dual-career men and women. *The Journal of Social Psychology*, 135(4), 483-497.
- Cassidy, J., Parke, R. D., Butkovsky, L., and Braungart, J. M. (1992). Family-peer connections: The roles of emotional expressiveness within the family and children's understanding of emotions. *Child development*, 63(3), 603-618.
- Cheng, C. (1998). Psychometric properties of the Social-Conflict Scales for Chinese adolescents. *The Journal of social psychology*, 138(2), 211-216.
- Conger, R. D., Elder Jr, G. H., Lorenz, F. O., Conger, K. J., Simons, R. L., Whitbeck, L. B., ... and Melby, J. N. (1990). Linking economic hardship to marital quality and instability. *Journal of Marriage and the Family*, 643-656.

- Conger, R. D., Ge, X., and Lorenz, F. O. (1994). *Economic stress and marital relations*. In R. D. Conger, & G.H.Elder (Eds.), *Families in troubled times: Adapting to change in rural America* (pp. 187–203). New York: Aldine de Gruyter.
- Falconier, M. K., and Epstein, N. B. (2010). Relationship satisfaction in Argentinean couples under economic strain: Gender differences in a dyadic stress model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(6), 781-799.
- Frone, M. R., Barnes, G. M., and Farrell, M. P. (1994). Relationship of work-family conflict to substance use among employed mothers: The role of negative affect. *Journal of Marriage and the Family*, 1019-1030.
- Gaelick, L., Bodenhausen, G. V., and Wyer, R. S. (1985). Emotional communication in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, 49(5), 1246.
- Grych, J. H., and Fincham, F. D. (1993). Children's appraisals of marital conflict: Initial investigations of the cognitive-contextual framework. *Child development*, 64(1), 215-230.
- Hessler, D. M. (2008). *Family stressors, emotional competence, and adolescent risky behavior*. *Dissertations Publishing, University of Washington*.
- Ingoldsby, B., Schvaneveldt, P., Supple, A., and Bush, K. (2004). The relationship between parenting behaviors and adolescent achievement and self-efficacy in Chile and Ecuador. *Marriage & family review*, 35(3-4), 139-159.
- Krug, E. G. (2002). World Report on Violence and Health, *World Health Organization*.
- Lazarus, R. S., and Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- McKnight, D., and Chervany, N. (1996). The meanings of trust. *Scientific report, University of Minnesota*.
- Noonan, K., Burns, R., and Violato, M. (2018). Family income, maternal psychological distress and child socio-emotional behaviour: longitudinal findings from the UK Millennium Cohort Study. *SSM-population health*, 4, 280-290.
- Park, J., Turnbull, A. P., and Turnbull III, H. R. (2002). Impacts of poverty on quality of life in families of children with disabilities. *Exceptional children*, 68(2), 151-170.
- Pearlin, J. (1989). The sociological study of stress. *Journal of Health and Social Behavior*, 30, 241–256.

- Russell, A. E., Ford, T., and Russell, G. (2018). The relationship between financial difficulty and childhood symptoms of attention deficit/hyperactivity disorder: a UK longitudinal cohort study. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 53(1), 33-44.
- Russon, J. (2010). *Human experience: Philosophy, neurosis, and the elements of everyday life*. SUNY Press.
- Ryan, Suzanne, and Harris, Kathleen Mullan (2001). Poverty, social context, and adolescent emotional health. *Ph.D Dissertation, the University of North Carolina at Chapel Hill*.
- Saxton, L. (1996). *Individual, marriage, and the family*. Wadsworth Pub. Co.
- Schneider, D. M. (1984). *A Critique of the Study of Kinship*. University of Michigan Press.
- Sears, H. A., and Galambos, N. L. (1992). Women's work conditions and marital adjustment in two-earner couples: A structural model. *Journal of Marriage and the Family*, 789-797.
- Siemieniuk, R. A., Krentz, H. B., Gish, J. A., and Gill, M. J. (2010). Domestic violence screening: prevalence and outcomes in a Canadian HIV population. *AIDS patient care and STDs*, 24(12), 763-770.
- Taylor, S.E. (2011). "Social support: A Review". In M.S. Friedman. *The Handbook of Health Psychology*. New York, NY: Oxford University Press. pp. 189-214.
- Warren-Findlow, J., Laditka, J. N., Laditka, S. B., and Thompson, M. E. (2011). Associations between social relationships and emotional well-being in middle-aged and older African Americans. *Research on Aging*, 33(6), 713-734.